

دیدگاه‌های کلامی خاندان صوحان بن حجر درباره امامت امام علی علیه السلام

محمد مختاری^۱

ابراهیم رضایی کلیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱

چکیده

مطالعه درباره باورهای اساسی شیعه در قرون نخستین در موضوع امامت، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مطالعه و تحقیق است؛ زیرا راهی مطمئن برای اعتبار این اندیشه‌ها و باورها در زمان حال می‌باشد. آل صوحان و قبیله آن‌ها یکی از خاندان مهم شیعه در زمان امام علی علیه السلام هستند. آن‌ها علاوه بر این که از خطبای مشهور جامعه شیعی بودند در جنگ‌ها نیز آن حضرت را همراهی کرده و در راه ایشان جانفشانی نموده‌اند. پژوهش پیش رو به صورت کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا در منابع تاریخی در مورد دیدگاه‌های کلامی خاندان صوحان بن حجر درباره امامت امام علی علیه السلام گزارش‌هایی نقل شده است؟ در صورت مثبت بودن جواب، از مجموعه گزارش‌ها در این زمینه چه برداشتی می‌توان داشت؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خاندان صوحان در مناسبت‌های مختلف امام علی علیه السلام را حجت خدا، برترین مردمان، وصی و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، دارای علم لدنی، مقام عصمت و مرجعیت دینی و سیاسی معرفی نموده‌اند. وجود این اندیشه‌ها در معتقدات شیعیان عصر امیرالمؤمنین علیه السلام نشان از حضور این موضوعات در دوران نخستین اسلامی در اعتقادات مکتب تشیع دارد که تا به امروز تداوم یافته و به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود.

واژگان کلیدی: امام علی علیه السلام، امامت، خاندان صوحان، زید بن صوحان، سیحان بن صوحان، صعصعه بن صوحان.

۱. دانش‌پژوه سطح ۳ کلام و مذاهب اسلامی، مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام؛ mokhtary14@chmail.ir

۲. دانش‌آموخته سطح ۳ مذاهب اسلامی، مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام؛ e.r181359@gmail.com

مقدمه

پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ دریافت و ابلاغ وحی خاتمه یافت؛ ولی تبیین، تفسیر و اجرای صحیح و دور از انحرافِ تعالیم ایشان، متناسب با نیازهای بشر، ضرورتی بود که حکمت الهی اقتضای انجام آن را داشت. شیعه معتقد است نظریه امامت همان پاسخی است که از سوی خدا برای رفع این نیاز حیاتی انسان‌ها در نظر گرفته شده و امام، جانشین حقیقی رسول خدا ﷺ و همچون ایشان عهده‌دار مسئولیت هدایت دنیوی و اخروی انسان‌هاست. بنابراین، روشن است که چنین امامی باید از علم و عصمت نیز برخوردار باشد.

اعتقادات شیعیان نخستین در مورد امامت به‌خصوص زمانی که با تأیید امامان معصوم علیهم‌السلام همراه باشد، راهی مطمئن برای دستیابی به ویژگی‌های ائمه شیعیان است؛ این مهم وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که برخی از مخالفین شیعه و یا نواندیشان مدعی هستند جریان تشیع اعتقادی در تاریخ اسلام با میراث اصیل اسلامی بیگانه بوده و متأثر از بحران‌ها و اوضاع سیاسی قرون بعدی و به مرور زمان پدید آمده است. (ر.ک. قفاری، ۱۴۱۵ق؛ مدرسی، ۱۳۸۶ش)

پژوهش حاضر می‌کوشد به صورت کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی وجود دیدگاه‌های کلامی تشیع ذیل موضوع امامت را در دوران نخستین اسلامی از طریق بررسی معارف به جا مانده از خاندان صوحان به اثبات رسانده و سنجه‌ای برای راستی آزمایی این گونه ادعاها ارائه کند.

۱. پیشینه پژوهش

از میان نوشتارهایی که در ارتباط با خانواده صوحان و قبیله عبدالقیس با گرایش‌های تاریخی، حدیثی و کلامی به رشته تحریر درآمده، سه اثر زیر بیشترین قرابت محتوایی را با این پژوهش دارند:

الف) کتاب زید و صعصعه پسران صوحان، نوشته کامران محمد حسینی، نشر مشعر، ۱۳۹۵، تهران. نویسنده در این اثر کوشیده تا زوایایی از زندگی زید و

صعصعه فرزندان صوحان را بیان کند و در کنار آن به معرفی زیارتگاه‌های منسوب به آنان نیز بپردازد. هرچند به مناسبت از سخنان و روابط این دو برادر با امام علی علیه السلام نیز مطالبی بیان کرده است.

ب) مقاله «صعصعه بن صوحان خطیب شحشح امیرمؤمنان علی علیه السلام» مطهری‌نیا، محمود، ماهنامه معرفت، شماره ۱۲۹ سال ۱۳۸۷. این پژوهش با تمرکز بر زندگی و زمانه صعصعه بن صوحان او را به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین یاران امام علی علیه السلام یافته و ضمن بیان نمونه‌هایی از روابطه حسنه متقابل میان این شخص و آن حضرت، خدمات و مجاهدت‌های صعصعه را نیز شرح داده است.

ج) مقاله «قبیله عبدالقیس و پیشگامی در تشیع»، میرشریفی، سیدعلی، روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۳۸۵، شماره ۴۶، ص ۳۰-۴۰. این مقاله با بررسی تاریخی قبیله‌ی خاندان صوحان تلاش آن‌ها در گسترش مذهب تشیع را بیان کرده و نقش قبیله مذکور در جنگ جمل را مورد بررسی قرار داده است.

نویسندگان این آثار بیشتر با دید سرگذشت‌نامه‌نویسی و گاهی نیز با هدف بررسی نقش کلی این خاندان و قبیله عبدالقیس در رخداد‌های مربوط به تشیع وارد عرصه تحقیق شده‌اند، ولی نوشتار پیش رو تلاش دارد تا با استفاده از منابع تاریخی و حدیثی متقدم شیعه و اهل سنت دیدگاه‌های کلامی شخصیت‌های این خاندان درباره امامت امام علی علیه السلام را مورد بررسی قرار دهد.

۲. زیست‌شناخت خاندان صوحان بن حجر

صوحان بن حجر و فرزندان او از شخصیت‌های برجسته قبیله عبدالقیس، یکی از شاخه‌های قبیله «ربیع» که آن نیز شاخه‌ای از نزار و عرب عدنانی است، می‌باشند. (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۳۵/۴ و ۱۳۸) پس از ظهور اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نامه‌ای به مردم بحرین نوشت و از آنان خواست هیأتی بیست نفره را برای شنیدن دعوت ایشان به مدینه بفرستند. در پاسخ به این درخواست، عبدالله اشجع و جارود بن معلی و چندین تن دیگر از بزرگان قبیله عبدالقیس به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شده و مشتاقانه اسلام را پذیرفتند. گفته شده پیش از آنکه آن‌ها وارد مدینه شوند، پیامبر

اسلام فرمودند: «امروز گروهی از مشرکان خواهند آمد که برای پذیرش اسلام مجبور نشده‌اند. خدایا قبیله عبدالقیس را بیمارز که نزد من آمده‌اند و [در برابر مسلمان شدن] چیزی طلب نمی‌کنند». (هشمی، ۱۴۱۴ق: ۶۰/۵) این گروه سرانجام پس از اقامت ده روزه در مدینه با بدرقه و هدایای رسول خدا ﷺ به سوی قوم خود بازگشتند. (ابن سعد، ۱۴۲۱ق: ۲۷۲-۲۷۳)

برخی گزارش‌ها نیز حکایت از حضور این قبیله در جنگ‌های رده در زمان خلیفه اول به فرماندهی سیحان بن صوحان دارند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۳۱۵/۳؛ الکامل، ۱۳۸۵ق: ۳۷۳/۳) فرزندان صوحان که به دلیل انتساب به قبیله عبدالقیس «العبدی» خوانده می‌شدند، از شیعیان امام علی علیه السلام و به طرفداری از او شهره بودند. (ثقفی، ۱۳۹۵ق: ۷۸۹/۲) از جمله افتخارات این قبیله، کلام امام علی علیه السلام در نبرد صفین خطاب به آنان است که فرمود: «شما زره و نیزه من هستید». (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۴۰۲/۱)

وجود بیش از پنجاه راوی عبدالقیسی کوفی و نقل بیشتر از ۴۰۰۰ حدیث از امامان شیعه، حدود پانزده عنوان اثر مکتوب از افراد این قبیله در موضوعات حدیثی، فقهی و ادعیه، همچنین حضور شاعران، خطیبان، قاریان و صاحبان مناصب از افراد قبیله عبدالقیس در شهر کوفه نشان می‌دهد که بنوعبدالقیس در مرکز حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام فعال و مطرح بوده‌اند. (آشتیانی، فصلنامه تاریخ اسلام، «نقش قبیله شیعی بنوعبدالقیس در تحولات فرهنگی و اجتماعی کوفه»: ۶۲/۳-۶۵)

شخصیت‌های دیگر این قبیله مانند حکیم بن جبلة، عمرو بن مرجوم عبدی، ابوجند بن عبد عمرو عبدی، قدامه بن مسروق عبدی، جابر عبدی، خدش عبدی، رمیله بن زغل بن جبلة و اشرف بن حکیم بن جبلة عبدی نیز از یاران عبدالقیسی امام علی علیه السلام محسوب می‌شوند که در منابع تاریخی از آنان یاد شده است. در میان شهدای کربلا نیز می‌توان به ادهم ابن امیه عبدی، عامر بن مسلم، سیف بن مالک، یزید بن ثبیط و پسرانش عبدالله و عبیدالله اشاره کرد. (محمدحسینی، ۱۳۹۵ش: ۲۴-۲۶)

خدمت به مکتب اهل بیت علیه السلام درسی بود که پسران صوحان آن را از پیشینیان خود فراگرفته و به فرزندان خود نیز آموخته بودند؛ بعنوان نمونه صوحان بن صعصه

بن صوحان در زمان امام سجاد علیه السلام یکی از شیعیان آن حضرت بشمار می‌رفت. براساس برخی روایات، او فلج بود و به همین دلیل از ایشان به علت ناتوانی در یاری نمودن امام حسین علیه السلام عذرخواهی کرد؛ حضرت نیز عذرش را پذیرفت و برای پدرش دعای خیر نمود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۹/۴۵؛ سپهر، ۱۴۲۷: ۱۱۳/۳-۱۱۴)

۱-۲. زید بن صوحان

زید بن صوحان عبدی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسلام آورد و در زمره اصحاب آن حضرت قرار گرفت. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۱: ۲۶۹/۲) به خاطر علاقه زیادش به حضرت سلمان، ابوسلمان و در بعضی نقل‌ها اباسلیمان خطاب می‌شد. همچنین به او ابو عائشه و ابو عبدالله هم می‌گفتند. طبق پیش‌بینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او کسی است که دستش در راه خدا قطع می‌شود و پس از آن خودش نیز به دست بریده‌اش ملحق می‌شود. (ابن اثیر، ۱۴۲۳: ۱۵۲-۱۵۳/۲)

او روزها را روزه می‌گرفت و شبها را به عبادت می‌پرداخت و شب‌های جمعه را احیا می‌گرفت. او دیندار و فاضل بود و بزرگ قومش محسوب می‌شد. (خطیب بغدادی، بی‌تا: ۴۳۹/۸؛ ابن عساکر دمشقی، ۱۴۲۱: ۳۱۱/۲۱)

از فضایل و مناقب او همین بس که پیامبر در مورد وی فرمود: «هر کس دوست دارد به مردی نگاه کند که بعضی از اعضای او برای رفتن به بهشت از او سبقت گرفته‌اند، به زید بن صوحان نگاه کند». (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۵۳۲/۲)

جلالت مقام و منزلت زید تا جایی بود که در لشکری که سلمان فرمانده آن بود، زید بن صوحان به دستور ایشان برای مردم امامت می‌کرد و برای آن‌ها خطبه می‌خواند. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۷۷/۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۵۵۶/۲)

از گزارشات تاریخی استفاده می‌شود که عمر بن خطاب برای زید بن صوحان احترام و ارزش فوق‌العاده‌ای قائل بود و هنگامی که می‌خواست بر اسب سوار شود، عمر بلند شد و برای او رکاب گرفت و به حاضران گفت: این‌گونه با زید و برادران و اصحابش برخورد کنید. در گزارش دیگری آمده است که عمر بن خطاب، زید را بر مرکب سوار کرد و گفت: ای اهل کوفه! با زید اینگونه رفتار کنید؛ وگرنه شما را

عقوبت می‌کنم. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱۷۷/۶) زید به انحراف عثمان معترض بود و این اعتراضات باعث شد تا او را به شام تبعید کند. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱۷۷/۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ۵۳۲/۲)

زید بن صوحان یکی از یاران وفادار حضرت علی علیه السلام بود. در زمان حضور امام حسن علیه السلام و عمار در کوفه برای جذب نیرو و مواجهه شدن ایشان با مخالفت‌های ابوموسی اشعری، زید بن صوحان به دفاع از سخنان امام حسن علیه السلام و عمار پرداخت و دست بریده‌اش را بلند کرد و گفت: «ای ابوموسی، از کاری که قدرت انجامش را نداری دست بردار!» دیگران نیز به تبعیت از او از جا برخاستند و ابوموسی اشعری را محکوم کردند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۸۴/۴) پس از مخالفت‌های مکرر ابوموسی اشعری و تشویق مردم برای ماندن در خانه‌ها، زید بن صوحان و اصحابش و برخی دیگر از شیعیان بپاخواستند و شمشیر کشیدند و گفتند: «هر کس از امیرالمؤمنین علیه السلام اطاعت نکند و قدم از جاده متابعت او بیرون گذارد، او را پاره پاره خواهیم کرد». (کوفی، ۱۴۱۱ق: ۴۶۰/۲)

او در جنگ جمل شرکت کرد و پرچم طایفه عبدالقیس را حمل می‌کرد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ۵۳۲/۲) و درخواست عایشه برای همراهی با اصحاب جمل و جلوگیری مردم از ملحق شدن به علی بن ابی طالب را رد کرد و به او گفت: به خانه ات برگرد و گرنه من اولین کسی هستم که با تو وارد جنگ خواهد شد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۲۱۶/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ۲۳۳/۷)

زید بن صوحان همچنین یکی از پیک‌های امام علی علیه السلام به سوی عایشه برای توقف جنگ بود، ولی عایشه حاضر به پذیرش این پیشنهاد نشد. (کوفی، ۱۴۱۱ق: ۴۶۷/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۱۵۳/۳)

بنا بر نقل جاحظ، او سخنوری توانمند و انسانی شجاع و از ابدال بود. او همان کسی است که به حضرت علی علیه السلام گفت: من فردا کشته می‌شوم. علی علیه السلام فرمود: چرا؟ زید گفت: در خواب دیدم که دستم از آسمان پایین آمد و مرا به سوی خود فراخواند. (جاحظ، ۱۴۱۰ق: ۳۸۲)

بنا بر نقل امام صادق علیه السلام وقتی زید بن صوحان در جنگ جمل روی زمین افتاد، امیرالمؤمنین علیه السلام کنار بالین و بدن مجروح او نشست و فرمود: «ای زید! خداوند تو را بیامرزد که برای من کم هزینه بودی و یاری تو نسبت به من همیشگی و فراوان بود.» زید با شنیدن این جملات سرش را بلند کرد و گفت: خداوند به شما نیز جزای خیر دهد؛ به خدا قسم، شما را نمی‌شناسم به جز اینکه خداشناس و در لوح محفوظ بزرگ و حکیم هستی و خداوند در دلت بزرگ است. به خدا قسم! از سر جهالت در کنار شما نجنگیدم، بلکه از ام سلمه همسر پیامبر شنیدم که می‌گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر کس من مولای او هستم، پس علی مولای اوست. خدایا دوستانان علی را دوست بدار و با دشمنانش دشمن باش؛ یاوران علی را یاری کن و خوار کنندگانش را ذلیل کن! به خدا قسم، دوست نداشتم که تو را رها کنم تا خداوند هم مرا رها کند.» (کشی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۴ و مفید، ۱۴۱۳ق: ۷۹)

زید بن صوحان در این جنگ شهید شد و در لحظات آخر عمر وصیت کرد خون های بدنش را شستشو ندهند و او را در لباس خونی خود به خاک سپرده و قرآنش را با او دفن کنند تا در روز قیامت با قاتلانش محاجه کند. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱۷۸/۶)

۲-۲. صعصعه بن صوحان

صعصعه بن صوحان نیز مانند برادرانش از شیعیان و مدافعان امیرالمؤمنین علیه السلام و از جمله افرادی بود که عمرو بن عاص به معاویه هشدار داد که از آنان بر حذر باشد. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۶۴) او خطیبی چیره دست، ادیبی هنرور، جنگاوری شجاع و مردی کارگشا (امینی، ۱۴۱۶ق: ۶۹/۹) و از کسانی بود که امیرالمؤمنین علیه السلام را با دست و زبان یاری نموده (ثقفی، ۱۳۹۵ق: ۸۹۱/۲) و توانست رضایت ایشان را به دست آورد. (یعقوبی، بی تا: ۲۰۴/۲)

نقش آفرینی صعصعه در جنگ صفین از برجسته‌ترین دوران حیات اوست. بنا بر نقل ابن قتیبه دینوری صعصعه بن صوحان برای اعلام وفاداری به حضرت علی علیه السلام برخاست و گفت: «ای امیرالمؤمنین! ما زمانی که مردم به سوی طلحه و زبیر رفتند به سوی تو آمدیم. حکیم بن جبلة عبدی ما را به یاری کارگزار تو، عثمان بن حنیف فرا

خواند؛ ما نیز فرمان او را اجابت کردیم. او با دشمن تو جنگید تا این که با مردمی از بنی عبد قیس که خداوند را به گونه‌ای عبادت کرده بودند که زانوان آنان همچون زانوان شتر و پیشانی آن‌ها همچو چرم سخت بود، کشته شدند و اسیر گشتند. ما نخستین کشته و اسیر بودیم. سپس سختی ما را در صفین دیدی، در حالی که بینایی از میان رفته و صبر به پایان رسیده بود، ولی حق باقی مانده بود. هم اکنون کار در دست شماست؛ هر آنچه مدنظر خداست ما را آنجا ببر». (دینوری، ۱۴۱۰ق: ۱۴۲/۱)

صعصعه بن صوحان در بیان دیگری اطاعت کامل خود از امیرالمؤمنین علیه السلام را این گونه بیان کرد: «ای امیرالمؤمنین! قلب و چشم ما در جنگ با دشمنان تحت اطاعت توست و به غیر از فرمان تو از خودمان نظری نداریم. تو امام مطاعی و ما اطاعت کننده. تو عالم‌ترین ما به خداوند و بهترین ما در دینداری هستی و بیشترین حق را بر گردن ما داری. بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بزرگ ما هستی و از همگان به او نزدیکتری. هر آنچه که رأی و نظر توست بگو تا از آن تبعیت کنیم. اگر مخالف جریان حکمت هستی بیان کن و بدان که هیچ ستم و خواری بر گردن تو نیست. اگر تمام مردم هم با تو مخالفت کنند، ما اطاعت می‌کنیم و اگر هم با ما جرای حکمت موافقی، بدان که باز هم مخالفتی از طرف ما وجود نخواهد داشت. حضرت علی علیه السلام از سخنان صعصعه بسیار خوشحال شدند و او را مورد مدح و ستایش قرار دادند. (کوفی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۲/۴)

او در شناخت امام علی علیه السلام به درجه‌ای رسیده بود که از منظر امام صادق علیه السلام دارای معرفت انحصاری نسبت به قدر و منزلت ایشان بود (کشی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۵؛ قمی، ۱۴۱۴ق: ۱۰۶/۵) و مناظرات صعصعه در هنگامه جنگ نهروان به نمایندگی از حضرت در گفتگو با خوارج نیز حاکی از این شناخت و علاقه شدید او به امیرالمؤمنین علیه السلام است. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۱)

او از معدود خواصی است که به همراه امام حسن و امام حسین علیهما السلام در تدفین مخفیانه و شبانه امیرالمؤمنین علیه السلام حضور داشت و اقدام به گریه، مرثیه‌خوانی و زیارت قبر مطهر کرده و مطالب بلندی را در مورد شخصیت امام علی علیه السلام بر زبان آورد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۹۵/۴۲)

صعصعه بن صوحان از جمله راویانی است که شیعه و سنی وثاقت او را پذیرفته و در کتب رجالی خویش او را ستوده‌اند. (حلی، ۱۴۲۲ق: ۷۱؛ ذهبی، ۱۴۱۲ق: ۵۲۸/۳)

۳-۲. سیحان بن صوحان

سیحان نیز مانند دو برادرش صعصعه و زید، از خطبای شهر کوفه (تستری، ۱۴۲۵ق: ۳۷۱/۵) و پرچمدار لشکر حضرت علی علیه السلام در جنگ جمل بود. پس از شهادتش، زید و پس از شهادت زید نیز صعصعه پرچم را به دست گرفت. (ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۴۳۳/۴)

سیحان در فتنه جمل گاهی در خط مقدم جنگ فعال بود و گاهی در پشت جبهه به آگاهی‌بخشی و جمع‌آوری نیرو برای امیرالمؤمنین علیه السلام مشغول بود. زمانی که ابوموسی، حاکم کوفه، مردم را از یاری امام و حضور در جنگ جمل منصرف می‌کرد، سیحان به همراه عمار به آنجا رفته و با سخنان روشنگرانه خود لشکر بزرگی را از کوفه برای امام علی علیه السلام فراهم نمود. (امین، ۱۴۰۳ق: ۵۵/۱) مسلمانان زیادی در جنگ جمل به فیض شهادت نایل آمدند، اما حضرت علی علیه السلام در نامه به کارگزار خود برای اعلام خبر پیروزی، از عده معدودی نام می‌برند که سیحان نیز یکی از آنان است. (طبری، ۱۴۲۳ق: ۲۸۲/۵) همانطور که گذشت برخی گزارش‌ها از حضور سیحان بن صوحان به‌عنوان فرمانده نیروهای قبیله عبدالقیس در جنگ‌های رده‌زمان خلیفه اول حکایت می‌کنند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۳۱۵/۳؛ الکامل، ۱۳۸۵ق: ۳۷۳/۳)

۴-۲. عبدالله بن صوحان

عبدالله بن صوحان از اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام فردی بسیار شجاع، با اراده و از بزرگان و بهترین خطبای کوفه بود. او در جنگ جمل از پرچمداران سپاه ایشان بود که پس از مبارزه تن‌به‌تن با عمرو بن یثربی به شهادت رسید. (کوفی، ۱۴۲۳ق: ۴۳۲)

شوربختانه در منابع درباره این شخصیت اطلاعات دیگری گزارش نشده است.

۳. اعتقاد به علم امام علی علیه السلام

امامت در اندیشه اسلامی مقام بسیار والایی است و شناخت و عدم شناخت این جایگاه بینش‌ها و گرایش‌های مختلفی را به دنبال خواهد داشت. از منظر آموزه‌های

اسلامی هر کسی قابلیت قرار گرفتن در این مرتبه را ندارد؛ بلکه این رتبه متعلق به کسانی است که دارای ویژگی‌های خاصی باشند. متکلمین شیعه و سنی با توجه به منابع قرآنی و روایی برای امامت شرایط مختلفی بیان کرده‌اند. (آمدی، ۱۴۲۳ق: ۱۹۱/۵) در باور شیعیان یکی از شروط امام، علم به جمیع مسائل دینی، علوم قرآن و مسائل مورد احتیاج مردم است تا با پاسخگویی به شبهات احتمالی حافظ حریم دین باشد. (طوسی، ۱۴۰۶ق: ۱۹۵-۳۰۵)

از آنجا که مقام امامت، همان جانشینی خداوند و پیامبر است و او حافظ و نگهبان دین و حامل رسالت پیامبر به نسل‌های بعدی است، خداوند به امام علمی عنایت می‌کند تا بتواند این مسئولیت را به خوبی انجام دهد.

بسیاری از اصحاب امام علی علیه السلام معتقد بودند که آن حضرت دارای علم گسترده است؛ علمی که دیگران از آن بهره‌مند نبودند. در جلسه بیعت مردم با امام علی علیه السلام در سال ۳۶ هجری برخی از انصار مانند ابوالهیثم بن تیهان، رفاعه بن رافع، مالک بن عجلان، خزیمه بن ثابت، حجاج بن عمرو و خالد بن زید، ضمن اشاره به ممتاز بودن شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام و افضل بودن ایشان نسبت به بقیه، یکی از ویژگی‌های شاخص امام علی علیه السلام را علم او به حلال و حرام و احتیاج همه صحابه به او در این زمینه دانسته‌اند. (کوفی، ۱۴۱۱ق: ۴۳۵/۲)

ثابت بن قیس انصاری نیز در این جلسه صحابه را نیازمند علم آن حضرت می‌دانست، در حالی که آن حضرت به خاطر دارا بودن علم کامل به هیچ کس نیازمند نبود. (یعقوبی، بی‌تا: ۱۷۹/۲) همچنین خزیمه بن ثابت انصاری آن حضرت را آگاه‌ترین قریش به قرآن و سنت (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۲۴/۳) و مالک اشتر ایشان را میراث‌دار دانش پیامبران می‌دانست. (یعقوبی، بی‌تا: ۱۷۹/۲)

زید بن صوحان نیز از جمله کسانی است که معتقد بود امام علی علیه السلام نسبت به هیچ موضوعی جهل ندارد و اقامه کننده کتاب خدا و احیا کننده سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در باور زید امام علی علیه السلام آگاه‌ترین فرد به کتاب خدا و فقیه‌ترین شخصیت در دین خداوند محسوب می‌شود. (اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۱۲۰)

پیش از شهادت زید در جنگ جمل، امام علی علیه السلام بر بالین او حاضر شد. زید در این ملاقات نیز شناخت آن حضرت را نسبت به خداوند کامل دانست. (کشی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۴) این مطلب به صورت غیر مستقیم بر علم گسترده امام علی علیه السلام نسبت به دین دلالت دارد.

بنا بر نقل یعقوبی، صعصعه بن صوحان نیز در گفتگو با امام علی علیه السلام تعبیر «علیم» را برای ایشان به کار می‌برد. (یعقوبی، بی‌تا: ۲۰۴/۲) صعصعه همچنین در پیام خود به امام در ایامی که به خاطر ضربه ابن ملجم مرادی بستری بودند، خدا را در سینه آن حضرت بسیار بزرگ و معرفت و شناخت آن حضرت را نسبت به خداوند بسیار زیاد تلقی کرده است. امام علی علیه السلام هم نه تنها سخن او را رد نکردند، بلکه او را تمجید نموده و در حقش دعا کردند. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۳۹: ۴۷/۱)

او پس از تدفین امیرالمؤمنین علیه السلام در حضور امام حسن و امام حسین علیهما السلام خطاب به آن حضرت گفت: «تو به مرتبه‌ای دست یافتی که کسی بدان دست نیافت و چیزی را درک کردی که هیچ کس آن را درک نکرد». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۳۴/۴۲) این سخنان خاندان صوحان در مورد علم امام علی علیه السلام نشان می‌دهد که آنان فهم صحیح دین و تفسیر قرآن را فقط شایسته آن حضرت می‌دانستند.

۴. اعتقاد به وصایت و نص

یکی از شرایط امام این است که باید منصوص باشد؛ یعنی از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله به امامت او تصریح شود؛ چرا که امکان دارد مردم به نظر خود، فردی را مصلح دانسته و به امامت برگزینند، در حالی که آن شخص مفسد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز امر امامت را امری الهی و انتخاب آن را به دست خداوند می‌دانست و همواره بر آن تأکید داشت.

زمانی که مسیلمه کذاب با گروه زیادی از قوم خود نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و شرط پیروی از آن حضرت را برخورداری از جایگاه خلافت پس از ایشان برشمرد، پیامبر فرمود: «اگر از من یک شاخه خرما هم بخواهی به تو نخواهم داد و به خاطر تو هرگز از امر خداوند تعدی نمی‌کنم». (بخاری، بی‌تا: ۷۳۴؛ نیشابوری، ۱۴۲۸ق: ۱۰۶۲)

یکی دیگر از دیدگاه‌های کلامی خاندان صوحان اعتقاد به نص در جانشینی امام علی علیه السلام است. وقتی زید بن صوحان در جنگ جمل زخمی شد و بر زمین افتاد به حضرت علی علیه السلام گفت: به خدا سوگند، از سر جهالت همراه تو نجاتم؛ بلکه از ام سلمه شنیدم که به نقل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌گفت: «هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست. بار خدایا، دوستدارش را دوست بدار و دشمنش را دشمن بدار و یورش را یآوری کن و واگذارنده‌اش را واگذار!» (کشی، ۱۴۰۴: ۲۸۴)

صدر این روایت که از ام سلمه نقل شده است به وضوح بر جانشینی بلافصل امام علی علیه السلام دلالت دارد. این واقعه و حدیث مشهور آن به‌طور متواتر اثبات شده و صد و ده نفر از صحابه پیامبر اکرم (امینی، ۱۴۱۶: ۱/۱۴۴-۱۴۴) و هشتاد و چهار نفر از تابعین (همان: ۱۴۵-۱۶۵) آن را نقل کرده‌اند و سیصد و شصت تن از علمای اخباری این حدیث را در کتب خود آورده (همان: ۱۶۷-۳۱۰) و بسیاری از عالمان برجسته اهل سنت بر متواتر بودن حدیث غدیر و صحت آن تصریح کرده‌اند. (همان: ۵۴۳-۵۷۲)

ادامه روایت را نیز با توجه به اینکه بر لزوم تبعیت از امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت دارد، می‌توان نصی بر خلافت و حکومت امام علی علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دانست. استناد زید بن صوحان به روایت ام سلمه بدین معناست که او به نص در جانشینی و خلافت آن حضرت معتقد بوده و لزوم تبعیت از امام را مدلول این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عملکرد جبهه مقابل را مغایر با آن می‌دانست.

۵. اعتقاد به عصمت امام علی علیه السلام

عصمت در لغت به معنای پاکی و پاکدامنی، نگهداری نفس، خویش‌داری و بازداشتن خویش از آلودگی است. (جزری، ۱۳۶۴: ۳/۲۴۹؛ اصفهانی، بی‌تا: ۵۱۶) در اصطلاح نیز لطفی است که خداوند در حق مکلف روا می‌دارد، به‌طوری که وقوع گناه و ترک طاعت از او ممتنع می‌گردد؛ هر چند بر انجام آن قدرت دارد. (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷؛ سیدمرتضی، ۱۹۹۸: ۲/۳۴۷)

عصمت امام در دو قلمرو عملی و علمی مطرح است و هر کدام دارای شاخه‌های مختلفی هستند. (ر.ک. فاریاب، ۱۳۹۰: ۱) بررسی گزارش‌های تاریخی و

روایی ما را با انبوهی از مطالب بیان شده توسط اصحاب امام علی علیه السلام رو به رو می‌کند که نشانه آشنایی اصحاب آن حضرت با مفهوم عصمت است؛ هر چند از کلمه «عصمت» در این باره استفاده نکرده‌اند.

در جنگ جمل که خواص و بزرگان اسلام عمداً یا سهواً در مسیر غلط قرار گرفته و مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام ایستادند، زید به عنوان مسلمانی که اهل بهشت است به نفع امام اقدام به روشنگری و جمع‌آوری نیرو نمود (طبری، ۱۳۸۷: ۴/۴۸۴) و با مردم کوفه در مورد حقانیت امام علی علیه السلام به محاجه پرداخت. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۲۸-۲۲۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۷/۲۳۶) او امام علی علیه السلام را آنچنان قبول داشت که در رکابش به درجه شهادت رسید. (کشی، ۱۴۰۴: ۲۸۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۹) مجموعه این اقدامات را اگر در کنار جایگاه بهشتی زید و سخنان او در لحظه شهادت (کشی، ۱۴۰۴: ۲۸۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۹) قرار دهیم می‌توان آن مستندات را حاکی از اعتقاد زید به مصونیت امام علی علیه السلام از خطا و اشتباه دانست.

صعصعه نیز در گفتگوهای خود با دیگران از عباراتی استفاده نموده است که می‌توان از آن‌ها اعتقاد او به عصمت امام علی علیه السلام را برداشت کرد. او در گفتگو با مغیره بن شعبه پس از بیان فضایل و مناقب حضرت علی علیه السلام می‌گوید: «از نزد کسی می‌آیم که نه در کار و گفتارش خطا و سستی است، نه در عقل و درایتش ضعفی است و نه زبان و بیانش ناخالص است». (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۱۱۲)

بدون تردید این سخنان حاکی از اعتقاد به عصمت علمی و عملی امام علی علیه السلام در اندیشه صعصعه می‌باشد. با شکل‌گیری خوارج، امام علی علیه السلام صعصعه بن صوحان را فرستاد تا با آن‌ها صحبت کند. صعصعه برای گفتگو نزد آنان رفت. آن‌ها گفتند: «آیا اگر علی با ما و در جایگاه ما بود، تو با او بودی؟» صعصعه گفت: «آری». آنان گفتند: «پس تو در دینت دنباله‌رو علی هستی. بازگرد که دینی نداری». صعصعه گفت: «وای بر شما! آیا از کسی دنباله‌روی نکنم که به نیکویی از خدا دنباله‌روی می‌کند و همواره و صادقانه در پی فرمان خداست؟ آیا پیامبر خدا هنگامی که جنگ شدت می‌گرفت، او را پیش نمی‌فرستاد تا جنگ را زیر پایش لگدمال و آتش آن را

با شمشیرش خاموش کند؟ او در راه خدا چنان بود که پیامبر خدا ﷺ و مسلمانان از طریق او پیش می‌رفتند؛ پس کجا می‌چرخید؟! به کجا می‌روید؟! به چه کسی رغبت می‌ورزید و از چه کسی باز می‌مانید؟! (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۲۱) این گزارش به‌خوبی دیدگاه صعصعه درباره امام علی علیه السلام و عقیده ایشان را به تصویر می‌کشد.

۶. مرجعیت دینی و سیاسی

از جمله ویژگی‌های امام در اعتقادات شیعیان، مرجعیت دینی و سیاسی اوست؛ به این معنا که امامان علیهم السلام تنها افرادی هستند که قرآن و سنت را بدون هیچ اشتباهی تبیین می‌نمایند و در زمینه سیاسی نیز همان‌ها بهترین کسانی هستند که می‌توانند احکام دین را در جامعه اسلامی اجرایی کنند. این دیدگاه نیز نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام در میان خاندان صوحان وجود داشت. سیحان بن صوحان به‌عنوان یکی از شخصیت‌های این خاندان هنگامی که قصد داشت برای همراهی حضرت در جنگ جمل نیرو جمع کند، آن حضرت را فردی امین و قابل اعتماد معرفی می‌کند که علاوه بر انجام مسئولیت مرجعیت دینی، بر اساس تکلیف الهی حکومت تشکیل داده و قصد دفاع از مظلوم در برابر ظالم را دارد. (امین، ۱۴۰۳: ۱/۴۵۵)

صعصعه نیز پس از به خلافت رسیدن امام علی علیه السلام به سخنرانی پرداخته و در تعبیری زیبا خطاب به حضرت، جامعه مسلمین را در مرجعیت سیاسی محتاج شخص ایشان معرفی کرده و می‌گوید: «ای امیر مؤمنان! به خدا سوگند، خلافت به واسطه تو زینت یافت، نه اینکه خلافت سبب زینت تو شده باشد. تو خلافت را بالا بردی و آن، مقام تو را بالا نبرد و نیاز خلافت به تو، بیشتر از نیاز تو به آن است». (یعقوبی، بی‌تا: ۲/۲۰۴)

۷. افضلیت و برتری از همه مردم

یکی دیگر از شرایط امام این است که از نسبت به همه مردم افضل باشد. چون پیشوای کل مردم است؛ پس اگر در میان مردم کسی برتر از او باشد، تقدم مفضول بر فاضل است و این از منظر عقل و نقل قبیح است. امامت، خلافت و جانشینی

خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ادامه دهنده وظایف رسالت، رهبری جامعه اسلامی، حافظ و نگهبان دین، امین خدا در روی زمین، حجت خدا بر بندگان و دعوت کننده به سوی خداوند است و اگر مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تمام صفات و کمالات نفسانی مانند علم، حلم، سخاوت، شجاعت، راستگویی، خوش خلقی، تدبیر و مدیریت جامعه، تقوی، پاکی، عدالت، سیاست، زهد و عبادت و سایر صفات افضل و برتر از سایر مردم نباشد با چه امتیازی می‌تواند بر دیگران مقدم شود و از او سبقت جوید. (حلی، ۱۳۶۵: ۳۶۶)

در میان گفتگوهای فرزندان صوحان با امام علی علیه السلام مطالب فراوانی نقل شده است که حاکی از افضلیت و برتری امام علی علیه السلام نسبت به دیگران است. عملکرد زید بن صوحان در جنگ جمل نشان می‌دهد که او، امام علی علیه السلام را از اصحاب جمل برتر می‌دانسته و به همین علت حاضر نشد به نامه عایشه برای همکاری با او پاسخ مثبت دهد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۱۶/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۲۳۳/۷)

زید سوگند یاد می‌کرد که آن حضرت خداشناس و در لوح محفوظ بزرگ و حکیم بوده و خداوند در دلش بزرگ است: «فوالله ما علمتک إلّا بالله علیما و فی امّ الكتاب علیا حکیمًا و الله فی صدرک عظیمًا» (کشی، ۱۴۰۴: ۲۸۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۹)

صعصعه عضو دیگر این خاندان نیز به شدت معتقد به برتری و افضلیت امام علی علیه السلام نسبت به دیگران بود. او آن حضرت را عالم‌ترین مردم نسبت به خداوند، بهترین مسلمانان در دینداری، صاحب اختیار مردم بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نزدیک ترین شخص به آن حضرت می‌دانست. (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۹۸/۲)

صعصعه معتقد بود امام علی علیه السلام کسی است که سخنی که گذشته‌اش را به افراط یا تفریط بکشاند، نگفت. او بردباری، سلامت نفس، دانش، خویشاوندی با رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مهاجرت پیشین و گرفتاری‌های بزرگ در راه اسلام را با هم جمع کرد. (کوفی، ۱۴۲۳: ۶۷/۲)

صعصعه در پاسخ به مغیره بن شعبه امام علی علیه السلام را ولی پرهیزگار، پربذل و بخشش، بردبار، باوفای بزرگوار، عارف، دارای فرزندان بزرگوار و پدرانی والا مقام،

آزموده‌ای مشهور، دلاوری نامدار، پارسا در دنیا، مشتاق آخرت، پاسدار اسلام و از نسل بزرگان بزرگوار و شیران نستوه دانسته، نه از افراد وامانده و کم‌سواد. او امام را شخصیتی مطرح می‌کند که نه در کار و گفتارش خطا و سستی است و نه در عقل و درایتش ضعفی است، و نه زبان و بیانش ناخالص است. (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۱۱۲)

او پس از دفن پیکر مطهر امام علی علیه السلام بر سر قبر آن حضرت ایستاد. یکی از دستانش را بر قلبش گذاشت و با دست دیگر قدری خاک بر سرش ریخت و گفت: «مبارک باد بر تو ای ابا الحسن! محل تولدت پاک، صبرت بزرگ، جهادت بلندمرتبه بود و با تدبیرت پیروز شدی و معامله پرسودی داشتی و نزد خالقت رفتی و خدا تو را با بشارتش پذیرا شد و ملائکه تو را دربر گرفتند و در جوار مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ساکن شدی. خدا تو را با هم‌نشینی خود بزرگداشت. تو به درجه برادرت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم رسیدی و با او در نوشیدن باده بهشتی هم‌پیاله شدی. پس، از خدا بخواه که بر ما منت بگذارد و ما را از رهروان طریق تو و عمل‌کنندگان به سیره تو و همراه دوستان و دشمن دشمنان تو گرداند و ما را در زمره دوستان محشور کند. تو به مرتبه‌ای دست یافتی که کسی بدان دست نیافت و چیزی را درک کردی که کسی درکش نکرد. در کنار برادرت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم در راه خدا جهاد کردی و حق جهاد را برآوردی دین خدا را به بهترین شکل برپا داشتی تا این‌که سنن را برپاداشتی و فتنه‌ها را خواباندی و اسلام را استوار کردی و ایمان را انتظام دادی. به واسطه تو پشت مؤمنان گرم شد و به نور تو چراغ‌های راه روشن شد و با تو سنت‌ها برپا شد و در کسی مناقب و خصال تو جمع نشد؛ برای اجابت دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر دیگران پیشی گرفتی و جانفشانی و ایثار و برای کمک به او شتاب کردی و او را با جان خود محافظت نمودی و شمشیرت ذوالفقار را در جای ترس و حذر راندی. خدا به واسطه تو ظالمان لجوج و نیرومندان را شکست داد و به وسیله تو قلعه‌های اهل شرک، کفر، دشمنان و مرتدان را نابود کرد و اهل نادانی و دشمنی را به قتل رساند.

(مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۹۵/۴۲-۲۹۶)

زید بن صوحان نیز امام را شخصیتی می‌دانست که کسی نمی‌توانست خلأ وجودی او را پر نماید. از منظر او امام کسی است که از عارض شدن جهل و نادانی

برای او نباید نترسید. او دارای فضائل و مناقبی است که هیچ کس شایسته آن نیست. او اقامه کننده کتاب خدا، احیا کننده سنت رسول خدا ﷺ، فقیه ترین افراد در دین خدا، عالم ترین انسان ها نسبت به کتاب خدا و نزدیک ترین فرد به پیامبر اکرم ﷺ است. (اسکافی، ۱۴۰۲ق: ۱۲۰)

نتیجه گیری

خاندان صوحان در میان شیعیان حضرت علی ﷺ از جایگاه ممتاز و شایسته ای برخوردار بوده و در وقایع صدر اسلام مواضع و نقش آفرینی های مهمی داشته اند. بیشترین ظهور و بروز این خاندان همزمان با شروع خلافت امام علی ﷺ و شکل گیری جنگ های آن حضرت است. گزارش ها نشان می دهد که خاندان صوحان در آن جنگ ها بسیار فعال بوده و کنشگری مثبتی از خود نشان داده اند و در تمام دوران خلافت حضرت علی ﷺ از آن حضرت به شدت دفاع و در راه او جانفشانی نموده اند.

مجموعه سخنانی که خاندان صوحان در مناسبت های مختلف نسبت به امام علی ﷺ بر زبان آورده اند، حاکی از این است که مفاهیمی همچون اعتقاد به علم گسترده، عصمت، وصایت و نص و همچنین مرجعیت دینی و سیاسی آن حضرت مورد پذیرش آنان بوده است. اثبات حضور این دیدگاه ها در منظومه فکری شیعیان هم عصر امام علی ﷺ می تواند یکی از مهم ترین شواهد برای وجود این اعتقادات در صدر نخستین بوده و به این معنا باشد که اعتقادات فوق در طول زمان و ادوار مختلف و در اثر فشار و سخت گیری ها بر شیعیان به وجود نیامده است.

فهرست منابع

کتاب

- قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، عز الدین ابو الحسن علی ابن ابی الکریم الشیبانی، (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
۲. _____، _____، (۱۳۶۴ش)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چهارم.
۳. _____، _____، (۱۴۲۳ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل عبدالموجود وعلی معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن سعد، محمد، (۱۴۱۴ق)، الطبقات الکبری، تحقیق: سهیل کمال، بیروت: دارالفکر.
۶. _____، _____، (۱۴۲۱ق)، الطبقات الکبیر، تحقیق: محمد عمر علی، قاهره: مکتبه الخانجی.
۷. ابن عبدالبر، یوسف، (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، بیروت: دارالجمیل.
۸. ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۲۵ق)، السیره النبویه، تحقیق: صدقی جمیل عطار، بیروت: دارالفکر.
۹. ابن مزاحم، نصر، (۱۴۰۴ق)، وقعه صفین، محمد هارون عبدالسلام، قم: دفتر آیت الله مرعشی نجفی، دوم.
۱۰. ابن اعثم کوفی، محمد، (۱۴۱۱ق)، الفتوح، علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
۱۱. ابن جوزی، یوسف، (۱۴۱۸ق)، تذکره الخواص، قم: الشریف الرضی.
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۰۷ق)، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر.
۱۳. اسکافی، ابوجعفر، (۱۴۰۲ق)، المعیار و الموازنه، تصحیح: محمد باقر محمودی، بی جا: اول.
۱۴. اصفهانی، ابوالفرج، (۱۳۳۹ش)، مقاتل الطالبین، ترجمه: جواد فاضل، تهران: علی اکبر علمی.
۱۵. امین، محسن، (۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف.
۱۶. امینی، عبدالحسین، (۱۴۱۶ق)، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، قم: مرکز الغدیر.
۱۷. آمدی، علی، (۱۴۲۳ق)، ابکار الافکار فی اصول الدین، قاهره: دارالکتب.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، (بی تا)، صحیح بخاری، تحقیق: احمد زهوه، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۹. تستری، محمدتقی، (۱۴۲۵ق)، قاموس الرجال، قم: جامعه مدرسین، سوم.

۲۰. ثقفی، محمدبن‌ابراهیم، (۱۳۹۵ق)، الغارات، جلال الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی.
۲۱. جاحظ، أبی عثمان عمرو بن بحر، (۱۴۱۰ق)، البرصان والعرجان والعميان والحوالان، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالجلیل.
۲۲. حاکم نیشابوری، أبو عبدالله محمد بن عبدالله، (۱۴۲۲ق)، المستدرک علی الصحیحین، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، دوم.
۲۳. حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۲ش)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تعلیق: جعفر سبحانی، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، دوم.
۲۴. _____، (۱۴۲۲ق)، خلاصه الاقوال، تصحیح: جواد قیومی، بی‌جا: فقاقت، دوم.
۲۵. _____، (۱۳۶۵ش)، الباب الحادی عشر، تهران: موسسه مطالعات اسلامی.
۲۶. دینوری، ابن قتیبه، (۱۴۱۰ق)، الامامه و السیاسه، تحقیق: علی شیر، بیروت: دارالاضواء.
۲۷. ذهبی، شمس الدین، (۱۴۱۲ق)، سیر اعلام نبلاء، بیروت: الرساله، هشتم.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی‌تا)، مفردات راغب، بی‌جا: دارالمعروف.
۲۹. سپهر، محمدتقی، (۱۴۲۷ق)، ناسخ التواریخ، قم: مدین.
۳۰. سمعانی، أبو سعد، (۱۳۸۲ق)، الانساب، تحقیق: عبدالرحمان الیمانی، حیدرآباد: العثمانیه.
۳۱. سید مرتضی، شریف، (۱۹۹۸م)، الامالی، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالفکر العربی، قاهره.
۳۲. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۹۰ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: سید حسن موسوی، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۳۳. _____، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: موسسه نشر اسلامی، پنجم.
۳۴. طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۲۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم.
۳۵. طبری، محمد، (۱۳۸۷ق)، تاریخ طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، دوم.
۳۶. طوسی، أبوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۶ق)، الاقتصاد فیما یتعلق بالإعتقاد، بیروت: دارالاضواء، دوم.
۳۷. فاریاب، محمدحسین، (۱۳۹۰ش)، عصمت امام در تاریخ تفکر امامیه تا پایان قرن پنجم هجری، ایران: موسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی.

۳۸. قفاری، ناصر بن عبدالله بن علی، (۱۴۱۵ق)، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، بیروت، مؤسسه العلمی للمطبوعات، دوم.
۳۹. قمی، عباس، (۱۴۱۴ق)، سفینه البحار، قم: اسوه.
۴۰. کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ق)، رجال الکشی، تحقیق: مهدی رجایی، قم: آل البيت.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ق)، اصول کافی، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سوم.
۴۲. کوفی، محمد، (۱۴۲۳ق)، مناقب أمير المؤمنين عليه السلام، تحقیق: محمدباقر محمودی، قم: احیای فرهنگ اسلامی.
۴۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، مصحح: محمدتقی مسترحمی و دیگران، بیروت: إحياء التراث العربی.
۴۴. محمد حسینی، کامران، (۱۳۹۵ش)، زید و صعصعه پسران صوحان، تهران: مشعر.
۴۵. مدرسی، سیدحسین، (۱۳۸۶ش)، مکتب در فرایند تکامل، نظری برتطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین، ترجمه: هاشم ایزد پناه، تهران: کویر.
۴۶. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، النکت الاعتقادیه، قم: دارالهدی.
۴۷. —، —، (۱۴۳۱ق)، الاختصاص، مصحح: علی اکبر غفاری و محمود زرنندی، قم: دارالهدی.
۴۸. مقداد، فاضل، (۱۴۰۵ق)، إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۴۹. نمیری، ابن شبه، (۱۳۸۰ش)، تاریخ مدینه منوره، ترجمه: حسین صابری، تهران: مشعر هاشمی.
۵۰. نیشابوری، مسلم بن حجاج، (۱۴۲۸ق)، صحیح مسلم، تحقیق: خلیل شیخا، بیروت: دارالمعرفه، دوم.
۵۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.

مقالات

۱. آشتیانی، مهدی، (۱۳۹۵ش)، «نقش قبیله شیعی بنو عبدالقیس در تحولات فرهنگی و اجتماعی کوفه»، فصلنامه تاریخ اسلام، ۳، ۵۱-۸۱.
۲. قیم، بهادر، (۱۳۹۱ش)، «نقش وعملکرد قبیله عبدالقیس در روند تحولات سیاسی جهان اسلام»، پژوهش نامه تاریخ اسلام، ۶، ۱۲۹-۱۵۱.